

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی





تصاویری از کودکان کار و خیابان در سرتاسر جهان

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان



پاسگاه نعمت آباد، خیابان زمزم، انتهای کوچه طاهری، نبش خیابان متین، سمت چپ، در قرمز رنگ... همین جا است. ساختمانی که قبلاً به عنوان انباری و نجاری و آب انبار از آن استفاده می‌شده و حالا به همت و تلاش داوطلبان، پر از بچه‌های قد و نیم قد و صدای جیغ و خنده است. همین بچه‌هایی که هر روز بی‌اعتنا از کنارشان می‌گذریم و گاهی از اصرار و التماس‌هایشان کلافه می‌شویم. کودکان کار و خیابان که دولت وجودشان را انکار

می‌کند و آنها را زواید اجتماع، خراب‌کننده منظره شهر!!! و عوامل باندهای تبهکار معرفی می‌کند! کودکانی که تنها گناه آنها زاده شدن در خانواده فقیر و جامعه‌ای با قوانین بی‌رحمانه است. انسان‌هایی که حق تحصیل، کودک بودن و حتی بودن از آنها گرفته شده است و قادر به دفاع از حقوق خود نیستند. طبق آخرین آمار چهارصد میلیون کودک کار در دنیا وجود دارد و اما اقدام دولت جهت حل مشکلات زواید اجتماع! چیزی جز ارباب و اعمال خشونت نسبت به آنها با نام جمع آوری و ساماندهی! نبوده است. به دنبال راه حلی دیگرگونه و ریشه‌ی‌تر با جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان روبرو شدم. چکیده اهداف و سازمان آنها را شرح می‌دهم و قضاوت را به شما واگذار می‌کنم.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان یکی از NGOهای است که در این راستا فعالیت می‌کند. این جمعیت در سال ۱۳۷۹ فعالیت‌های عملی خود را آغاز کرد ولی به علت مشکلات اجتماعی و حقوقی حاکم بر ایران در سال ۱۳۸۲ امکان فعالیت مستقل و غیر دولتی به دست آورد و در سال ۱۳۸۴ در پاسگاه نعمت آباد، دفتر مرکزی خود را تأسیس کرد. فعالیت‌های این مجموعه عبارتند از سوادآموزی، کلاس‌های آموزش خلاقیت ذهنی، داستان‌نویسی، نقاشی، تئاتر، عکاسی، آموزش مهارت‌های زندگی و حقوق کودک و برگزاری هفتگی کارگاه حقوق کودک برای داوطلبان.

این NGO اهداف خود را به چهار دسته تقسیم می‌کند.

هدف کلی: محو کار و تمامی اشکال سوء استفاده از کودکان با جلب حمایت و تشکیل نیروهای اجتماعی به مثابه نیروی مستقیم فشار بر دولت‌ها و سیستم اجتماعی حاکم بر ایران و جهان.

اهداف اختصاصی: ایجاد مراکز امن و ماندگار با ویژگی قابل دسترس بودن برای کودکان کار و خیابان جهت حمایت و توانمندسازی کودکان کار و خیابان.

اهداف فوری :

(۱) کاهش آسیب‌های وارده بر کودکان کار و خیابان

(۲) توجه به نیازهای جسمی، عاطفی و اجتماعی کودکان کار و خیابان

(۳) آموزش اعم از سوادآموزی، بهداشت، مهارت‌های فنی، هنری و اجتماعی و...

اهداف تداومی:

(۱) استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی در جهت حمایت عملی از کودکان کار و خیابان

(۲) فعال نمودن و پیگیری حضور سازمان‌ها و نهادهای موظف

(۳) قرار دادن کودک و وابستگانش تحت پوشش بیمه‌های اجتماعی (خدمات درمانی، تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و...)

۴) به کار گیری مددگاران خیابانی

۵) واکنش سریع جهت شناسایی و جذب کودکان کار و خیابان

۶) تلاش برای ترویج نگاه احترام‌آمیز جامعه به جایگاه انسانی کودکان کار و خیابان

۷) تلاش برای گسترش مراکز تعریف شده فوق

۸) ارتباط با سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی مدافع حذف کار و تمامی اشکال سوء استفاده از کودکان در ایران و سرتاسر جهان جهت سازماندهی نیروی فشار علیه سیستم استثمار کودکان و...

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان شامل شش کمیته است که نیروهای داوطلب با توجه به علاقه و توانایی خود در هر زمینه‌ای به فعالیت می‌پردازند:

کمیته بهداشت که وضعیت بهداشت روانی و جسمانی بچه‌ها را کنترل می‌کند و برای آنها تشکیل پرونده می‌دهد.

کمیته مددکاری که به مشکلات روحی، روانی، خانوادگی و حقوقی بچه‌ها رسیدگی می‌کند.

کمیته آموزش که مسئول کلاس‌های آموزشی و سوادآموزی برای بچه‌ها است و بر پایه سیستم کودک محور و خلاقانه عمل می‌کند.

کمیته روابط عمومی و ساماندهی که در زمینه تبلیغات، آگاهی‌بخشی، رسانه‌ای و جذب نیروهای جدید عمل می‌کند.

کمیته هنر که سعی در پرورش خلاقیت‌های بچه‌ها دارد و

کمیته ورزش که امکان تفریحی سالم با محیط امن برای بچه‌ها فراهم می‌نماید.

از امکانات دیگر این مجموعه کتابخانه‌ای با ۱۵۰۰ جلد کتاب است.

و اما مشکلاتی که این NGO با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. از قبض آب و برق و تلفن و اجاره و هزینه کیف و کتاب و لوازم تحریر و... بچه‌ها هم که بگذریم، هر از چند گاهی سر و کله پلیس امنیت پیدا می‌شود تا هر بار به بهانه‌ای، مجموعه را برای چند روز تعطیل کند. یک بار به بهانه اخطار برای پایان مدت مجوز، یک بار به خاطر برگزاری کلاس‌های مختلط برای کودکان و یا حکم اداره اتباع خارجی در اعتراض به آموزش به کودکان مهاجر و...!!!

چندی پیش هم بهزیستی کمک‌های مالی‌اش را به بهانه محدودیت‌های بخشنامه‌ای و قانونی قطع کرد. از مشکلات دیگر جمعیت کمبود داوطلب و نیرو است. متأسفانه به علت تبلیغ باورها و نگاه غلط نسبت به کودکان کار و خیابان و مهاجران افغانی، بعضی از مردم تمایلی به کمک و همکاری نشان نمی‌دهند.

خوش بختانه علی رغم مشکلات مالی و عدم همکاری‌های دولت، این NGO همچنان با کمک داوطلبان اغلب جوان و دانشجویان علاقمند و با کمک‌های مالی پراکنده همچنان به تلاش‌ها و فعالیت خود ادامه می‌دهد و در راستای اهداف خود به پیش می‌رود.

جهت آشنائی بیشتر مخاطبین مصاحبه‌ای کوتاه با دو تن از نیروهای فعال در NGO یعنی آقای نادر طالبی و خانم شیوا نظر آهاری داشتم که متن مصاحبه عیناً در زیر می‌آید:

س: کودک کار کیست؟

هر فرد زیر ۱۸ سال که به طور دائمی یا فصلی با خانواده یا جدا از خانواده در خیابان یا کارگاه یا مزرعه کار حرفه‌ای انجام دهد یا به خاطر شرایط استثنای کار و سرمایه از کودکیش محروم باشد. حتی بچه‌ای که مجبور است به جای اینکه کودکی کند از خواهر و برادر کوچکتر خود نگهداری نماید را کودک کار می‌گوئیم. با محاسبه

اختلاف محصلان و کسانی که در سن ۱۸ سال هستند، هفتصد هزار تا یک میلیون کودک کار داریم که این آمار با افزودن تعداد کودکان بدون شناسنامه مهاجران غیرقانونی در ایران به ۲ تا ۳ میلیون می‌رسد. بیشتر این کودکان در کارگاه‌هایی با جمعیت کمتر از ۵ نفر و مزارع مشغول کار هستند.

س: فرق شما با بقیه NGO هائی که در این زمینه فعالیت می‌کنند، چیست؟

طبق تعریفی که ما از خیریه داریم، سازمانی که به شرایط باز تولید نابرابری اجتماعی توجهی نمی‌کند و فقط به معلول‌ها می‌پردازد نه به علت‌ها، خیریه است. هر سازمان می‌تواند به درجاتی خیریه باشد. ما سعی می‌کنیم درجه خیریه بودنمان پائین باشد. سازمان‌های دیگر اکثراً بخش عمده کارشان خیریه است و یا اصلاً GO هستند یعنی وابسته به دولتند.

س: هزینه‌های NGO از کجا تأمین می‌شود؟

ماهانه حدود دو میلیون تومان هزینه اجاره و نگهداری و تغذیه بچه‌ها می‌شود که کاملاً از طریق کمک‌های مردم تأمین می‌شود. در حال حاضر ما هیچ کمکی از سازمان‌های دولتی دریافت نمی‌کنیم.

س: برخورد مردم محله با شما چه طور است؟

اوایل که ما به اینجا آمديم، مردم ما را نمی‌پذیرفتند. فکر می‌کردند ما بچه زدیم و نمی‌فهمیدند چرا عده‌ای بدون هیچ نفع اقتصادی اینجا فعالیت می‌کنند. ولی الان به ما اعتماد دارند و کارمان در محل احترام دارد.

س: کارنامه ای را که در پایان سال تحصیلی به بچه‌ها می‌دهید، مدارس قبول می‌کنند؟

ما با سفارت افغانستان صحبت کردیم و سفارت قبول می‌کند. سیستم ارزشیابی ما با آموزش و پرورش فرق می‌کند و ارزیابی بر اساس توانایی‌های بچه‌ها است و نمره بیست و نوزده نداریم. ممکن است یک نفر امتحانات مدرسه را خوب ندهد ولی ما تشخیص می‌دهیم که درسش را یاد گرفته و صلاحیت رفتن به کلاس بالاتر را دارد. برای ورود به مدارس بچه‌ها باید امتحان آموزش و پرورش را بدهند.

س: خانواده مددجوها با مختلط بودن کلاس‌ها مشکل ندارند؟

مختلط بودن کلاس‌ها چیز عجیبی نیست. ما در روستاها هم کلاس‌های مختلط داریم. خانواده‌ها هم به اینجا اعتماد دارند و می‌دانند اینجا محیط امنی برای بچه‌هایشان است.

س: مهمترین چیزی که بچه‌ها اینجا به دست می‌آورند، چیست؟

چند ساعت در روز که با او مثل انسان بر خورد می‌کنند. می‌تواند اظهار نظر کند یا مخالفت کند. این قضیه یک فاصله‌ای ایجاد می‌کند با محیط بیرون و باعث می‌شود کودکی که تمام عمرش تجاوز و خشونت دیده است، بفهمد طور دیگری هم می‌شود زندگی کرد. بچه‌ای که جز کتک و فحش و خشونت چیزی ندیده احتمال بزهکار شدنش خیلی زیاد می‌شود. سعی می‌کنیم اعتماد به نفسشان که از آنها گرفته شده را به آنها باز گردانیم. سیستم کلاس‌ها اینجا مشارکتی است. معلم فقط یک آموزگار نیست بلکه در کنار بچه‌ها و هم سطح با آنها است. ما می‌خواهیم روش سنتی آموزش و پرورش را در کلاس‌ها نداشته باشیم. کلاس نباید طوری باشد که معلم جایگاه بالا داشته باشد و بچه فقط اطاعت و خوش خدمتی کند.

س: وظیفه کمیته هنر چیست؟

به بچه‌ای که همیشه سر کوب شده، فرصتی داده می‌شود که با نقاشی، عکاسی یا سفالگری خود را بیان کند که باعث رشد شخصیت او می‌شود و یک رابطه دگرگونه در ذهنش متصور می‌شود. ضمناً این بیان شدن به ما شناخت بهتری از بچه‌ها می‌دهد.

ما می‌خواهیم جامعه تصور نکند که کودک کار یک پدیده طبیعی است و کودک کار هم فکر نکند که بد بختی‌اش یک چیز طبیعی است.

س: با Unicef همکاری دارید؟

از نظر ما Unicef در خیلی از موارد با مداخلات برخورد می‌کند. برای اینکه پیمان‌نامه را همه کشورها امضاء کنند، قوانین را شل و ول وضع کرده است. مثلاً در بند یک آن آمده کودک هر انسان زیر ۱۸ سال است مگر آنکه به موجب قوانین داخلی چیز دیگری باشد. که خوب این هیچ معنایی ندارد، یک جا ۹ سال است، یک جا ۱۳ سال، یک جا ۱۸ سال! یا بچه‌هایی که در کارگاه کار می‌کنند را کودک کار نمی‌دانند چون در خیابان کار نمی‌کنند. عملکرد Unicef شبیه سازمان ملل است و جوری عمل می‌کنند که خود را مقابل دولت‌ها قرار ندهند. مخصوصاً در مورد اعدام کودکان، برای این که با دولت‌ها درگیر نشوند، وارد این قضایا نمی‌شوند و کار جدی در این زمینه نمی‌کنند. جایی خواندم که با ۹ دلار در سال می‌توان از مرگ و میر کودکان جلوگیری کرد، حساب کردم با بودجه تسهیلاتی سه هفته دنیا می‌شود از مرگ و میر کودکان جلوگیری کرد. مسأله این نیست که پول نباشد یا راه حل نباشد، سیستم جهانی که وجود دارد یک همچین چیزی می‌طلبد. کودک کار عادی‌ترین بخش طبقه کارگر است. به خاطر نقدی که بر عملکرد Unicef داریم با ما رابطه خوبی ندارند.

س: طی این پنج سال که فعالیت می‌کنید به کدام اهدافتان رسیده‌اید؟

ما نمی‌گوئیم مسأله کودک کار را حل کردیم، اما حداقل کودک کار را به یک مسأله تبدیل کردیم. ضمناً ما هزار کودک کار را تحت پوشش قرار دادیم. حداقل کاری که NGOها می‌توانند بکنند این است که کودک کار را تبدیل به یک معضل کنند تا دیده شوند و دیدگاه جامعه نسبت به این کودکان اصلاح شود. از وقت و فرصتی که در اختیار ما گذاشتید، سپاسگزاریم.

اکنون شاید بتوان با دیدی بازتر به مسأله نگاهی تازه کرد. شاید با عوض کردن زاویه دید بتوان با شفافیت به تماشای این ضایعه غیر قابل گذشت که مختص جهان سوم و کشورهای فقیر است پرداخت و دست از انکار ریشه‌های آن برداشت. گرچه هدف کلی یعنی "محو کار و تمامی اشکال سوء استفاده از کودکان و جلب حمایت و تشکل نیروهای اجتماعی برای اعمال مستقیم فشار بر دولت‌ها و سیستم‌های اجتماعی حاکم بر ایران و جهان" دور از دسترس به نظر می‌آید... اما...:

باید که دست‌های خسته بیاسایند.

باید که خنده و آینده، جای اشک بگیرد

باید بهار

در چشم کودکان جاده ری

سبز و شکفته و شاداب

باید بهار را بشناسند

باید "جوادیه" بر پل بنا شود
پل
این شانه‌های ما، باید که رنج را بشناسیم
وقتی که دختر رحمان
با یک تب دو ساعته می‌میرد،
باید که دوست بداریم یاران،
باید که قلب ما
سرود و پرچم ما باشد...
(خسرو گل‌سرخ)

منبع: <http://www.socialist-students.com/parsehmag/Parsehmag-arshiv.htm>

[ایران بیانیہ دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های](#)